

## فرا تحلیل کیفی مقالات پژوهشی حوزه «تعامل والد-نوجوان»

### Qualitative Meta-Analysis of Scientific Articles on “Parent-Adolescent Interaction”

**Dr Fatemeh Hoseini**  
Azad Islami University

دکتر سیده فاطمه حسینی

دانشگاه آزاد اسلامی

**Dr Bagher Sanaei**  
Professor of Kharazmi University

دکتر باقر ثنائی

استاد دانشگاه خوارزمی

**Dr Reza Pourhosein**  
Associate of professor, University  
of Tehran

دکتر رضا پور حسین

دانشیار دانشگاه تهران

**Dr Adis Kraskian**  
Azad Islami University

دکتر آدیس کراسکیان

دانشگاه آزاد اسلامی

#### چکیده

#### Abstract

This study has aimed to achieve a qualitative knowledge about Persian articles on “Parent-Adolescent Interaction” over two decays ago. Meta-analysis of these 56 articles, selected from scientific, electronic databases, disclosed that although 93% of all articles was explanatory research, only 7% was exploratory and descriptive one. Also, population of 50% of articles were in big cities, Tehran, Mashhad, Shiraz, and Esfahan, and the number of articles generalized on females were five times more

پژوهش حاضر با هدف دستیابی به شناختی کیفی پیرامون آن دسته از مقالات علمی سامان یافته است که طی حدود دو دهه اخیر به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مسئله «تعامل والد-نوجوان» در جامعه ایرانی پرداخته‌اند. در این راستا، فرا تحلیل کیفی مقالات این حوزه در دو بعد روش شناختی و محتوایی بر روی ۵۶ مقاله اجرا شد که از بانک‌های مقالات علمی استخراج گردیده بودند. طبق نتایج این پژوهش، بیش از ۹۳٪ از پژوهش‌ها با هدف تبیین و تنها ۷٪ با هدف توصیف پدیده‌ای به نام «تعامل والد-نوجوان» به پژوهش پرداخته‌اند. هم‌چنین بیش از

than males. As a result, there was a bias toward studying female adolescents in four large cities, methodologically. The content analysis of keywords of selected articles represented that only 6% of these studies attend the social dimensions, and about 40% of one consider adolescence as a pathological phenomenon that dissolve by parents. Finally, factors and consequences of "Parent-Adolescent Interaction", critical points, and suggestion for future researches are discussed.

**Keywords:** Qualitative Meta-analysis, Parent-Adolescent Interaction, Methodology, Content Analysis

۵۰٪ از مقالات یادشده، جامعه آماری مورد پژوهش خود را شهرهای تهران، مشهد، شیراز و اصفهان اعلام کرده و نیز تعداد مقالاتی که تنها بر روی دختران نوجوان کار کرده‌اند تقریباً پنج برابر آن‌هایی است که بر روی پسران نوجوان کار کرده‌اند. در نتیجه به نظر می‌رسد شاهد نوعی سوگیری این مطالعات به سوی نوجوانان دختر در شهرهای بزرگ ایران هستیم. همچنین تحلیل محتوای کلیدواژه‌های مقالات، در بعد محتوایی، حاکی از این است که تنها ۶٪ از پژوهش‌ها به ابعاد اجتماعی تأثیرگذار بر «تعامل والد-نوجوان» پرداخته‌اند و حدود ۴۰٪ از پژوهش‌ها نیز نوجوانی را وضعیتی آسیب‌شناختی در نظر گرفته‌اند که توسط مداخله تربیتی والدین بایستی مرتفع گردد. در نهایت ضمن بحث درباره‌ی پیش‌آیندها و پس‌آیندهای «تعامل والد-نوجوان»، انتقاداتی به رویه حاکم بر مقالات این حوزه صورت گرفت و پیشنهاداتی جهت رفع این مشکلات ارائه گردید.

**کلیدواژه‌ها:** فرا تحلیل کیفی، تعامل والد-نوجوان، روش‌شناسی، تحلیل محتوا

دریافت: اردیبهشت ۹۵ پذیرش: مهر ۹۵

## مقدمه

بلوغ نوجوان در پژوهش‌های متعدد به عنوان یکی از مهم‌ترین استرسورها و نقاط عطف در مراحل تحول خانواده در نظر گرفته شده است (وبر، ۲۰۱۰). از این رو تعامل والد-فرزند تحت تأثیر بلوغ فرزند به تعامل والد-نوجوان تبدیل می‌گردد و لذا اهمیتی جدی می‌یابد. اغلب پژوهش‌گران تعامل والد-نوجوان را به سبب تفاوت ماهوی دوره

نوجوانی از دوره کودکی از تعامل والد-کودک متمایز می‌داند (استرنبرگ، ۲۰۱۱). در نتیجه مطالعه این تعامل به عنوان یکی از مهم‌ترین فاکتورهای تأثیرگذار در شکل‌گیری هویت فرد و نیز تغییرات رشدی نوجوانان و والدین اهمیتی ویژه دارد و لذا پژوهش‌های زیادی این تعامل دوسویه را مورد توجه قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد امروزه دیگر دست‌کم از منظر کمیت نوشته‌ها در حوزه والد-نوجوان وضعیت با گذشته بسیار متفاوت باشد. بنابراین هدف اصلی این پژوهش، دستیابی به شناخت بیشتر پیرامون آن دسته از مقالات علمی است که طی حدود دو دهه اخیر به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مسئله تعامل والد-نوجوان در جامعه ایرانی پرداخته‌اند.

سؤال اصلی پژوهش نیز از این قرار است که وضعیت، تعامل والد-نوجوان از منظر پژوهش‌های علمی سال‌های اخیر، چگونه است؟

موارد دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، بدین شرح است:

۱) فراتحلیل مقالات حوزه تعامل والد-نوجوان از لحاظ روش‌شناختی (روش،

شهر، جنسیت و سن جامعه آماری مورد مطالعه)

۲) فراتحلیل مقالات حوزه تعامل والد-نوجوان از لحاظ محتوا (کلیدواژه‌ها،

یافته‌ها و نتایج)

پیش از آغاز بحث درباره فراتحلیل مطالعات صورت گرفته، اشاره‌ای کوتاه به نظریات این حوزه خواهد شد.

### چارچوب نظری تعامل والد-نوجوان

به‌طور کلی مطالعات پژوهشی مربوط به تعامل والد-نوجوان دو جریان اصلی را دربرمی‌گیرد که می‌توان آن‌ها را ذیل عنوان‌های «رابطه والد-نوجوان»<sup>۱</sup> و «فرزندپروری»<sup>۲</sup> قرار داد. در اینجا نیز چارچوب‌های نظری مربوط به این دو جریان علمی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

1 Parent-Adolescent Relationship (PAR)

2 Parenting

### رابطه والد-نوجوان

علی‌رغم اهمیت رابطه والد-نوجوان، بسته به اینکه از کدام رویکرد نظری تعامل بین نوجوان و والدینش را مورد کنکاش قرار دهیم، مفهوم «رابطه والد-نوجوان» شکلی متفاوت به خود خواهد گرفت. اولین نظریه در این زمینه نظریه تفرد<sup>۱</sup> (یا رویکرد تغییر درون‌زاد) نام دارد. اندیشمندان در این نظریه بر این باورند که صمیمیت<sup>۲</sup> در رابطه والد و نوجوان تحت تأثیر تلاش‌های نوجوان برای دستیابی به استقلال اجتماعی، شناختی و هیجانی کمتر می‌شود (بلوس<sup>۳</sup>، ۱۹۷۹؛ گروتونت<sup>۴</sup> و کوپر<sup>۵</sup>، ۱۹۸۶؛ باکس<sup>۶</sup> و وان ول<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر همزمان با انتقال کودکان به دوره نوجوانی، آنها فرایند تفرد را نیز آغاز می‌کنند. در این رویکرد تفرد فرآیندی است که در آن فرد در عین حفظ رابطه با والدینش، جدا شدن از آنها به عنوان یک فرد مستقل را نیز آغاز می‌کند (یونس<sup>۸</sup> و اسمالر<sup>۹</sup>، ۱۹۸۹). از نظر کولینز<sup>۱۰</sup> و مادسون<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۶) نظریه‌های روان‌تحلیلی و نوتحلیلی (بلوس، ۱۹۷۹) بر این باورند که تغییرات هورمونی و برانگیختگی جنسی ناشی از بلوغ، منجر به ایجاد فشار زیاد، در جهت تفرد از والدین و هرچه بیشتر درگیر شدن در روابط دوستان همسال می‌گردد. نظریه‌های روان‌تحلیلی معتقدند که تغییرات هورمونی ناشی از بلوغ، امیال ادیپی را به سطح می‌رانند. این امیال به سطح آمده، در مسائل مربوط به کنترل تکانه و اضطراب دخیل‌اند و نوجوان نیز در نتیجه چنین وضعیتی سرکش شده، بین خود و والدینش فاصله ایجاد می‌کند. بنابراین، نظریه تفرد، این موضوع را برجسته می‌کند

---

1 Individuation

2) closeness

3 Blos

4 Grotevant

5 Cooper

6 Bucx

7 Van Wel

8 Youniss

9 Smaller

10 Collins

11 Madsen

که رابطه‌ای بد بین والد و نوجوان در دوران بلوغ، در خدمت تسهیل روابط جنسی در خارج از گروه خانواده است و در نتیجه نوجوان را به سمت صمیمیت کمتر با والدین و استقلال از آنها سوق می‌دهد.

نظریه هویت نقش، به عنوان یکی دیگر از رویکردهای نظری این حوزه، صمیمیت و نزدیکی در رابطه والد-نوجوان را به گونه‌ای مثبت تحت تأثیر گذر از دوره زندگی می‌داند. براین اساس هنگامی که نوجوان به سوی پذیرفتن نقش‌های بزرگسالانه‌تری حرکت می‌کند، تجربیاتش به تجربیات والدین‌اش شبیه شده، در نتیجه بهتر می‌تواند خود را شبیه به آنها بازشناسد. این موضوع منجر به تأثیرات مطلوب نزدیکی در رابطه نوجوان-والد می‌گردد (استریکر<sup>۱</sup>، ۱۹۶۸). رویکرد اجتماعی روانی نیز تغییرات رابطه را به عنوان بازتابی از استرس ناشی از تکالیف رشدی ویژه‌ی این دوره به حساب می‌آورد (ریس<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۰). مسائل مرتبط با تکالیف رشدی‌ای چون آمادگی برای ورود به بازار کار، ارزیابی مجدد اهداف شخصی و یا کاهش امید به آینده می‌تواند مشکلات الزامی رابطه نوجوان-والد را بدتر جلوه دهد (کولینز و لارسن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). نکته کلیدی این رویکرد تکالیف رشدی است، یعنی هرگونه تعریفی از رابطه والد-نوجوان بایستی متضمن طی کردن درست مسیر تکالیف رشدی باشد. از منظر رویکرد وابستگی متقابل، نوجوانی دوره‌ای است که در طی آن، وابستگی‌های مقابل درون خانواده همچنان ادامه می‌یابد، اما فرم و شکل آن دچار تحول می‌شود، به گونه‌ای که وابستگی متقابل با دوستان و روابط عاشقانه نیز مشهودتر می‌شوند (کولینز و مادسون، ۲۰۰۶). این نظریه به طور مشخص مدت و کیفیت گذران وقت با والدین را به عنوان تعریف رابطه والد-نوجوان در نظر می‌گیرد.

---

<sup>1</sup> Stryker

<sup>2</sup> Reis

<sup>3</sup> Laursen

یکی دیگر از رویکردهای بسیار مهم در مورد رابطه والد-نوجوان، نظریه دلبستگی است. نظریه دلبستگی به گرایشی روان‌شناختی با عنوان «جستجوی صمیمیت با دیگران» اشاره دارد. این جستجوی صمیمت در رابطه با دیگران با هدف احساس امنیت در حضور مراقب و همچنین احساس اضطراب در غیاب مراقب صورت می‌گیرد. بالبی<sup>۱</sup> (۱۹۶۹) دلبستگی را به صورت «قابلیت روان‌شناختی دیرپا برای برقراری ارتباط با انسان‌ها» تعریف می‌کند. دلبستگی از نظر بالبی دارای چهار مفهوم بنیادین است. «مجاورت جویی» بدین معناست که نوزاد همواره نزدیکی به مراقبش را جستجو می‌کند. اعتراض به جدایی: وقتی که مراقب در دسترس نیست، نوزاد «اعتراض به جدایی» را آشکارا با ناراحتی و آشفتگی نشان می‌دهد. هنگامی که خطری وجود ندارد، منبع دلبستگی (عمدتاً مادر) نقش «پایگاه امن» را بازی می‌کند. همچنین هنگامی که خطری کودک را تهدید کند، منبع دلبستگی نقش «جان‌پناه» و لنگرگاهی را بازی می‌کند که کودک به او پناه می‌برد.

فینی و همکارانش (هنریک<sup>۲</sup> و هنریک، ۲۰۰۰) بر این باورند که این چهار مفهوم نه تنها در مورد دلبستگی نوزادان، بلکه برای دلبستگی نوجوانان نیز صادق است. با این حال دلبستگی در سنین نوجوانی تفاوت‌هایی با دوران کودکی دارد. اصطلاح «جان‌پناه» بدین معناست که نوجوان از والدینش به عنوان منابعی برای حمایت بهره می‌جوید، و «پایگاه امن» یعنی اطمینان به خانواده برای حمایت از نوجوان برای کاوشهای دنیای بیرون از خانواده. «مجاورت جویی» در رابطه والد-نوجوان به انجام رفتارهای دوستانه، سربه‌سر دیگران گذاشتن، درگیر شدن در فعالیت‌های جمعی، مکالمه‌های هیجانی و خودافشاگرانه اشاره دارد. البته پژوهش‌گران دلبستگی نوجوان بر این باورند که نوجوان‌ها الزماً این «اعتراض به جدایی» نه به صورتی آشکار بلکه به صورت رفتارهای تخریب‌گرانه در قالب درون‌ریزی یا برون‌ریزی نشان می‌دهند.

---

<sup>1</sup> Bowlby

<sup>2</sup> Hendrick

نوجوان ها به والدین شان به عنوان پایگاه‌های امنی نیاز دارند تا به پشتوانه آن‌ها به اکتشاف جهان پیرامون بپردازند (بالتز<sup>۱</sup> و سیلوربرگ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴). آلن<sup>۳</sup> و لند<sup>۴</sup> (۱۹۹۹) معتقدند که دلبستگی در نوجوانی کاملاً از دلبستگی در روابط اولیه هم در سطح شناختی و هم در سطح رفتاری متمایز است. از لحاظ رفتاری، علایق هیجانی قوی به والدین می‌تواند، به صورتی زیرکانه، از طریق سر به سر گذاشتنِ دوستانه انجام گیرد. پیشرفت‌های شناختی درون ذهن نوجوان منجر به مسئولیت‌پذیری بیشتر او در فعالیت‌هایی از قبیل مراقبت و نظارت و در نتیجه قوی‌تر شدن رابطه والد-نوجوان می‌گردد. معنای کلیدی فرمول‌بندی دلبستگی این است که نوجوانان و والدین با پیشینه‌ای از تعاملات گرم و پاسخ‌ده و قیود هیجانی قوی، انطباق و سازگاری را در طی گذار از نوجوانی تسهیل کنند (کولینز و لورسن، ۲۰۰۴؛ ۳۳۴). صمیمیت در طول نوجوانی در شکل‌هایی متفاوت با دوران کودکی ظهور می‌کند. به‌عنوان مثال، صمیمیتی که به وسیله در آغوش کشیدن نشان داده می‌شود، با ورود فرد به دوران بلوغ رو به کاهش می‌گذارد. باین‌حال، شاهد افزایش در گفتگو‌هایی هستیم که در آنها اطلاعات رد و بدل شده و احساسات ابراز می‌شوند (هارتاپ<sup>۵</sup> و لارسن، ۱۹۹۱). این سازگاری‌ها پاسخ‌های مناسبی هستند به سطح بلوغ و نیاز به تغییر در نوجوانان. پرواضح است که نظریه دلبستگی بر اهمیت رابطه نزدیک بین والد-نوجوان تأکید دارد و این نظریه بنابراین محقق را در راستای یافتن صمیمت در رابطه والد-نوجوان هدایت می‌کند.

### فرزندپروری

در زمینه سبک‌های فرزندپروری نظریات متعددی ارائه شده است. یافته‌های بامریند بر که البته بر روی کودکان سن دبستان انجام شده بود به ۳ فاکتور پذیرش و ارتباط نزدیک، کنترل و استقلال دادن در تعامل والد-کودک منجر شد و بر این اساس چهار سبک

<sup>1</sup> Baltes

<sup>2</sup> Silverberg

<sup>3</sup> Allen

<sup>4</sup> Land

<sup>5</sup> Hartup

فرزند پروری معرفی گردید که مدت‌های مدیدی است در پژوهش‌های متعدد فرزندپروری مورد توجه پژوهش‌گران قرار دارد. فرزندپروری مقتدرانه، به عنوان موفق‌ترین روش فرزندپروری، پذیرش و روابط نزدیک، روش‌های کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب را شامل می‌شود. فرزندپروری مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین است. والدین مستبد، سرد و طرد کننده‌اند و نمایش قدرت اولین عاملی است که این شیوه را از دیگر شیوه‌ها متمایز می‌سازد. فرزندپروری آسان‌گیرانه، والدینی مهرورز و پذیرا و درعین‌حال غیرمستقیم را دربرمی‌گیرد، که کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کنند و به آنها اجازه می‌دهند در هر سنی که باشند خودشان تصمیم‌گیری کنند، حتی وقتی که هنوز قادر به انجام آن نیستند. در فرزندپروری بی‌اعتنا، والدین، پذیرش و روابط پایین، کنترل کم و نیز بی‌تفاوتی آشکاری درباره استقلال دادن بروز می‌دهند. این والدین اغلب از لحاظ هیجانی جدا و افسرده هستند و وقت و انرژی کمی برای فرزندان صرف می‌کنند. شفر نیز با مطرح کردن ابعاد گرمی/سردی و آزادی/کنترل، نوعی الگوی فرضی در مورد روابط والد-کودک ارائه داد و آن را به چهار دسته تقسیم کرد. در والدگری بامحبت و آزادگذارنده، که به عنوان والدگری نمونه شناخته می‌شود، کودکان دارای استقلال بوده و رفتار اجتماعی مناسبی دارند. سبک دیگر والدگری بامحبت و محدودکننده است که فرصت کسب تجربه، یادگیری و حتی آزادی را با محبت افراطی سلب می‌کند. سبک سوم والدگری متخاصم و محدودکننده نام دارد و بر اصل تنبیه استوار است و در نتیجه به سبب سخت‌گیری و محدودیت شدیدی که نسبت به فرزند اعمال می‌دارد، موجب ایجاد احساس خصومت شدید در فرزندان آنها می‌شود. سبک والدین کودکان بزهکار والدگری متخاصم و آزادگذارنده است که در آن همراه شدن عامل خصومت با عامل آزادی موجب ایجاد رفتارهای پرخاشگراانه به شدیدترین حالت در کودکان می‌گردد. (لورا برگ، )



آنچه در مطالعه سبک‌های فرزندپروری و مداخله بر روی آن اهمیت دارد، این است که عملاً تنها دو فاکتور از اهمیتی بنیادین برخوردارند: رابطه و کنترل. در نتیجه تمامی برنامه‌های گروهی و فردی مداخله در تعامل والد-نوجوان که بر روی والدین به اجرا درآمده و در جهان شناخته شده هستند نیز این دو فاکتور را مبنای اصلی مداخله خود قرار داده‌اند.

جدول شماره ۱) مقایسه برنامه‌های معروف آموزش والدین برای تعامل با کودک و نوجوان

ارتباطی	رفتاری		
	*	رویکرد رفتاری	والدین، برنامه‌های طبقه‌بندی
*		رویکرد مهارت‌های ارتباطی	کرب
*		رویکرد آدلری	آموزش از
*		رویکرد روان تحلیلی	والدین، برنامه‌های طبقه‌بندی
	*	رویکرد یادگیری اجتماعی	فایده‌میز از برنامه‌های آموزش
*		رویکرد انسان گرایی	والدین، برنامه‌های نظری
*	*	رویکرد آدلری	آموزش از
*	*	رویکرد تلفیقی	والدین، برنامه‌های نظری
*		رویکرد انعکاسی	آموزش از
*		رویکرد آدلری	والدین، برنامه‌های
	*	رویکرد رفتاری	والدین، برنامه‌های
*		رویکرد سیستمی بوم شناختی	آموزش از

*	آموزش کارآمدسازی والدین (بت)	
	*	برنامه آموزش والدین باترسون
	*	برنامه آموزش والدین فورهند و مک ماهون
*	*	فرزندپروری فعال
	*	فرزندپروری مثبت
*	*	آموزش گام به گام فرزندپروری کارآمد (استپ)

برنامه‌های معروف آموزش والدین

اسمیت ضمن بررسی تعداد زیادی از برنامه‌های آموزش والدین نتیجه گرفت که می‌توان این برنامه‌ها را در دو طبقه کلی قرارداد: رفتاری و ارتباطی. برنامه‌های آموزش والدین که زیربنای تئوریک آن‌ها رویکرد رفتاری یا یادگیری اجتماعی باشد، در گروه رفتاری قرار می‌گیرند. طبقه ارتباطی نیز شامل آن دسته از برنامه‌هایی است که زیربنای نظری آن‌ها یکی از چهار رویکرد آدلری، انسان‌گرایی، روان‌پویایی و یا سیستمی باشد. پیش‌فرض مدل رفتاری این است که رفتار نامناسب کودک قبلاً تقویت شده و شاید والدین به آن توجه نشان داده‌اند. به زبان دیگر، این مدل نقش کودک چندان فعال در نظر نمی‌گیرد و بر تأثیر عوامل محیطی تأکید می‌شود. بنابراین در آموزش والدین از روش‌های شکل‌دهی، عدم تقویت رفتارهای نامناسب و خاموش‌سازی استفاده می‌شود. از سوی دیگر در مدل‌های ارتباطی، رفتار نامناسب کودک نتیجه الگوهای نامناسب ارتباطی در خانواده است و بنابراین هدف درمان باید بهبود این الگوها باشد (ریچاردسون<sup>۱</sup> و جاگین<sup>۲</sup> ۲۰۰۲). لازم به توضیح است که به نظر می‌رسد برنامه‌های

<sup>1</sup> Richardson

<sup>2</sup> Joughin

فرزندپروری در سنت رفتاری بیشتر بر کنترل رفتار فرزندان اهمیت می‌دهند، درحالی‌که برنامه‌های مربوط به سنت روان‌تحلیلی و دلبستگی بیشتر بر روی رابطه والد-فرزندی تأکید دارند. تقسیم‌بندی اسمیت در جدول شماره ۱ قابل رؤیت است. همچنان که این جدول نشان می‌دهد، بخش اعظمی از رویکردها و برنامه‌های آموزش والدین در سنت ارتباطی قرار دارند و بر ارتقای رابطه والد-فرزند تأکید می‌کنند.

### روش‌شناسی

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای از نوع فراتحلیل کیفی است. از آنجاکه هدف نگارندگان این است که دریابند به طورکلی چه مطالعاتی با چه روش‌هایی در حوزه تعامل والد-نوجوان صورت گرفته، و براین اساس پرسشنامه‌ها، نمونه‌ها، جامعه آماری، فرضیه‌ها و ... باهمدیگر متفاوت است، فراتحلیل کیفی به جای کمی مورد استفاده قرار گرفت. در این روش پژوهش‌های متعددی درباره یک موضوع مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در واقع تجزیه و تحلیل آیت‌های گوناگون آن پژوهش‌ها صورت می‌گیرد از جمله پرسش‌های اصلی، روش پژوهش، جامعه آماری و ... اقلام مورد بررسی در این روش به مسائل متعددی ارتباط دارد که بیش از همه متناسب با پرسش‌های پژوهش و اهدافی است که پژوهشگر در فراتحلیل دنبال می‌کند. بنابراین مطابق با آنچه گفته شد در فراتحلیل پس از گزینش و گردآوری پژوهش‌ها، نیاز به مقوله‌بندی نمودن آن‌ها و سپس قیاس و ارزیابی نمونه انتخابی در هر یک از مقولات می‌باشد. در اینجا نیز ابتدا هر مقاله به مقوله‌های از قبیل موضوع، ابعاد تعامل والد-نوجوان، متغیرهای مستقل در رابطه والد-نوجوان، شهر مورد مطالعه، جنسیت افراد مورد مطالعه، سن جامعه آمار مدنظر، پیامدهای تعامل والد-نوجوان، روش پژوهش (کمی/کیفی)، مداخله‌ای یا غیرمداخله‌ای بودن پژوهش، کلیدواژه‌ها، یافته‌ها و نتایج مورد تحلیل قرار گرفت.

**جامعه آماری** این پژوهش، همه پژوهش‌های علمی است که در یک دهه‌ی اخیر درباره تعامل والد-نوجوان در جامعه ایران صورت گرفته است. روش نمونه‌گیری در این

پژوهش، ترکیبی از شیوه‌های گوناگون دستیابی به مقالات علمی بوده است؛ بدین طریق که در اینجا از تمام مقالات موجود درباره تعامل والد-نوجوان در پایگاه داده‌های SID، magiran و noormags استفاده شد. برای انتخاب این مقالات، ابتدا کلیدواژه‌های «تعامل والد-جوان»، «رابطه والد-نوجوان»، «فرزندپروری نوجوان»، «رابطه پدر فرزندی» «رابطه مادر فرزندی» و «دلبستگی نوجوان» در بانک‌های مقالات یادشده جستجو گردیده و سپس از میان مقالات معرفی شده توسط سایت مذکور، آن‌هایی که دارای چنین کلیدواژه‌هایی در «عنوان، چکیده یا کلید واژگان» بودند و معنای فرزند را به عنوان نوجوانان در نظر گرفته بودند، برای ورود به تحلیل انتخاب شدند. در نهایت ۷۲ مقاله که هم والدین و هم نوجوان را موضوع مطالعه قرار داده بودند، انتخاب شد که از این تعداد ۵۶ مقاله با توجه به موضوع و عدم تکراری بودن برای پژوهش حاضر مورد تحلیل قرار گرفت.

### یافته‌ها:

یافته‌های تحلیلی در دو بخش ارائه می‌گردد که عبارتند از: فراتحلیل روش‌شناسی مقالات و فراتحلیل محتوای مقالات.

### فرا تحلیل روش‌شناسی پژوهش‌ها:

در این بخش، مقالات متعدد از نظر روش پژوهش و جامعه‌ی مورد مطالعه مورد تحلیل قرار گرفته و یافته‌های آن در ادامه گزارش شده است.

براساس آنچه در جدول شماره ۲ آمده، بیش از ۹۸ درصد از مقالات از روش کمی بهره برده‌اند و تنها یک مقاله از روش کیفی استفاده کرده است. همچنین مقالات با روش کمی نیز باتوجه به انجام یا عدم انجام مداخله به سه دسته مداخله‌ای، پس‌رویدادی و غیرمداخله‌ای تقسیم شده است. براین اساس ۱۲/۵٪ از مقالات اثربخشی یک مداخله و ۲۶٪/۱۴ از مقالات نیز اثرگذاری یک پدیده خارج از کنترل را مورد واریسی قرار داده‌اند. همچنین بیش از ۷۰ درصد از مقالات این حوزه (۷۱٪/۳۸) نیز رویکردی غیرمداخله‌ای

درپیش گرفته‌اند. لازم به توضیح است که مقالات غیرمداخله‌ای خود به شش دسته رابطه‌ای (۵۰٪)، مقایسه‌ای (۵/۳۶٪)، رابطه‌ای و مقایسه‌ای (۱۰/۷۱٪)، نیازسنجی (۱/۷۹٪)، شیوع‌شناختی (۱/۷۹٪) و توصیفی (۱/۷۹٪) تقسیم شده‌اند. منظور از مقالات رابطه‌ای مقالاتی است که تلاش داشته‌اند رابطه بین دو یا چند متغیر را در جمعیتی خاص مورد واکاوی قرار دهند و منظور از مقالات مقایسه‌ای نیز مقالاتی است که تلاش کرده‌اند وضعیت متغیر مشخصی را در دو یا چند گروه نمونه مورد مقایسه قرار دهند. برخی مقالات نیز این هردو را همزمان انجام داده‌اند که در این پژوهش «رابطه‌ای-مقایسه‌ای» نام نهاده شده‌اند.

جدول (۲) روش‌های به کار رفته در مقالات مورد مطالعه به صورت مقایسه‌ای

تعداد مقالاتی که از روش یا شده بهره گرفته‌اند و درصد فراوانی آنها				
روش مورد استفاده در مقالات				
روش کیفی	۱	۱/۷۹٪		
روش کمی	مداخله‌ای	۷	۱۲/۵۰٪	
	پس رویدادی	۸	۱۴/۲۹٪	
	غیرمداخله‌ای	رابطه	۲۸	۵۰٪
		مقایسه	۳	۵/۳۶٪
		رابطه و مقایسه	۶	۱۰/۷۱٪
		نیازسنجی	۱	۱/۷۹٪

۱٪/۷۹	۱	شیوع شناسی	
۱٪/۷۹	۱	توصیفی	
۱۰۰	۵۶		کل

### فرا تحلیل جامعه‌ی آماری پژوهش‌های یاد شده

در بخش دوم فراتحلیل روش‌های استفاده شده در مقالات مورد مطالعه، به شهرهایی که جامعه آماری از میان آن‌ها جمع‌آوری گردیده، پرداخته شد. آن‌چنان‌که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، تقریباً یک سوم (۳۲٪/۷۳) از مقالات جامعه‌ی آماری خود را شهر تهران یا یکی از مناطق آن معرفی کرده‌اند. همچنین حدود ۱۵٪ از مقالات نیز شهری را که داده‌های خود را از آن گرد آورده‌اند، ذکر نکرده‌اند. پس از تهران نیز شهرهای مشهد و شیراز (هر کدام ۷٪/۲۷)، اصفهان (۵٪/۴۵) و قزوین و کرج (هر کدام ۳٪/۶۴) قرار دارند. گزینه سایر شهرها نیز که حدود یک چهارم (۲۵٪/۴۵) از مقالات جامعه آماری خود را در آن عنوان داشته‌اند، نشان‌دهنده شهرهایی هستند که تنها یک مقاله بر روی آن‌ها کار شده است. این شهرها عبارتند از: تبریز، اهواز، شبستر، بناب، سمنان، بجنورد، فارس، مرند، بروجن، رشت، کرمانشاه، قائنات. همچنین دو مقاله نیز جامعه آماری خود را استان فارس و استان چهارمحال و بختیاری عنوان داشته که آن هم با توجه به تعداد کم حجم نمونه نسبت به استان، درون سایر شهرها دسته‌بند شده است. لازم به توضیح است که ضمن اینکه یک مقاله هم حوزه مورد بررسی خود را کل کشور معرفی کرده که به کلی از این بخش پژوهش کنار گذاشته شده است.

جدول ۳) شهرهایی که مقالات یاشده جامعه آماری خود را از آن‌ها گزارش کرده‌اند.

شهر	تعداد مقالاتی که جامعه آماری خود را از این شهر انتخاب کرده‌اند و درصد فراوانی آنها	
تهران	۱۸	۳۲٪/۷۳
مشهد	۴	۷٪/۲۷
شیراز	۴	۷٪/۲۷
اصفهان	۳	۵٪/۴۵
قزوین	۲	۳٪/۶۴
کرج	۲	۳٪/۶۴
سایر شهرها	۱۴	۲۵٪/۴۵
نامشخص	۸	۱۴٪/۵۵
کل	۵۵	۱۰۰٪

### فراتحلیل جنسیت و سن جامعه‌ی آماری مقالات مورد تحلیل:

دربخش سوم فراتحلیل مقالات حوزه «تعامل والد-نوجوان» جنسیت و سن جامعه آماری مقالات مورد توجه قرار گرفت که نتایج آن در جدول شماره ۴ دیده می‌شود. بر این اساس، بیش از نیمی از مقالات (۵۳٪/۲۳) داده‌های خود را از هر دو جنس جمع‌آوری کرده‌اند. همچنین ۲۲ مقاله (۳۸٪/۷۱) یافته‌های خود را بر روی دختران نوجوان قابل تعمیم دانسته‌اند. این درحالی است که تنها ۴ مقاله (۸٪/۰۶) مختص پسران نوجوان بوده

است. در مورد سن نیز مقالات متعدد داده‌های خود را از نوجوانان رده‌های سنی ۱۲ تا ۲۱ ساله جمع‌آوری کرده‌اند.

جدول ۴) تقسیم‌بندی جنسیتی مربوط به جامعه آماری مقالات مورد مطالعه

جنسیت جامعه آماری هر مقاله	تعداد مقالات و درصد فراوانی تعداد مقالات	
مؤنث	۲۲	۳۸٪/۷۱
مذکر	۴	۸٪/۰۶
هر دو جنس	۳۰	۵۳٪/۲۳
کل	۵۶	۱۰۰٪

#### فرا تحلیل محتوایی مقالات:

یکی دیگر از مواردی که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت فرا تحلیل محتوایی مقالات بود که در دو بخش «کلیدواژه‌ها» و «یافته‌ها و نتایج» صورت گرفت.

#### تحلیل محتوای کلیدواژه‌های مقالات یا شده:

در مجموع ۲۱۸ کلیدواژه در مقالات متعدد مورد استفاده قرار گرفته بود، که براساس کدگذاری انتخابی مورد تحلیل محتوا قرار گرفتند و در نهایت ۱۲ کد استخراج گردید. از این میان بیشترین فراوانی یعنی حدود یک‌پنجم از کلیدواژه‌ها به نحوه تربیت و والدگری نوجوان اختصاص داشت. رتبه دوم نیز به آسیب‌شناسی، یعنی واژه‌هایی از قبیل بزهکاری، پرخاشگری، اعتیاد و . . . اشاره دارد که حدود ۱۷٪ از واژه‌های کلیدی را به خود اختصاص داده است. رتبه‌ی سوم ابعاد اجتماعی شامل بعد ساختار خانواده، تفاوت بین‌نسلی، بعد جامعه‌شناختی (اشتغال و . . .) و بعد فرهنگی (خرده‌فرهنگ‌ها و اقوام) را



در برمی گیرد و حدود ۱۵٪ از کلیدواژه‌ها به این کد اختصاص داشت. رتبه چهارم به شکل گیری سلف و شخصیت در نوجوانی یعنی مواردی از قبیل ارزش خود، خودمهارگری و . . . مربوط بود و حدود ۱۲٪ از کلیه کلیدواژه‌ها در این راستا بودند. «رابطه نوجوان با والدین اش» که با واژه‌هایی از قبیل گرمی، صمیمیت، ارتباط کلامی و . . . مشخص می گردد حدود ۱۰٪ از واژه‌ها را به خود اختصاص داده بود و در رتبه پنجم قرار داشت. همچنین «نوجوانی و بلوغ» که مواردی از قبیل بلوغ جنسی، بلوغ اجتماعی، تفاوت‌های جنسیتی و . . . مرتبط بود نیز رتبه ششم جدول رده‌بندی کدها را با درصد فراوانی حدود ۹٪ اشغال کرده بود. بقیه کدها که همگی دارای درصد فراوانی کمتر از ۵٪ بودند، به ترتیب عبارت بودند از: امور تحصیلی، دلبستگی، نیازسنجی و شیوع‌شناسی، سلامت نوجوان، باورهای مذهبی و روش‌های درمانی. مقوله‌های استخراج شده از کلمات کلیدی مقالات مورد مطالعه در جدول شماره ۵ گزارش شده است.

جدول ۵) مقوله‌های استخراج شده از واژه‌گاه کلیدی مقالات یادشده

رتبه	واژه محوری	فراوانی و درصد فراوانی واژه‌های محوری
۱	والدگری	۴۵
۲	آسیب شناسی	۳۷
۳	ابعاد اجتماعی	۳۱
۴	سلف و شخصیت	۲۷
۵	رابطه با والدین	۲۲
۶	نوجوانی و بلوغ	۲۱
۷	امور تحصیلی	۷

۳/۲۱	۷	دل بستگی	۸
۲/۷۵	۶	نیازسنجی و شیوع شناسی	۹
۲/۲۹	۵	سلامت	۱۰
۱/۸۳	۴	باورهای مذهبی	۱۱
۱/۸۳	۴	روش‌های درمانی	۱۲
۱۰۰٪	۲۱۶	کل	

### تحلیل محتوای یافته‌ها و نتایج مقالات:

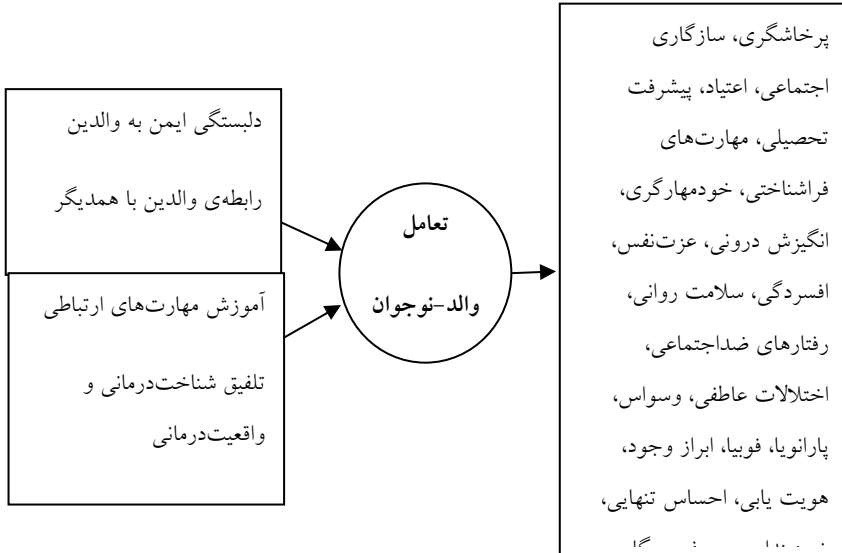
در این بخش از آنجاکه مقالات متعدد درباره موضوعات زیادی کار کرده بودند، امکان نظم‌دهی آن‌ها در قالب جدولی حاوی کدگذاری‌های محوری و انتخابی امکان‌پذیر نبود، از این رو براساس اینکه تأثیر چه متغیرهایی در این پژوهش‌ها بر روی همدیگر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، تحلیل صورت پذیرفت. از میان این ۵۶ پژوهش، ۶ مورد به مداخله پرداخته‌اند و ۵۰ مورد دیگر نیز به مطالعه همبستگی یا رابطه بین متغیرهای متعدد با رابطه والد-نوجوان یا سبک‌های فرزندپروری نوجوان پرداخته‌اند.

مطالعات متعدد درباره تعامل والد-نوجوان، نشان داده‌اند که رابطه والد-فرزند می‌تواند بر پرخاشگری (عراقی، ۱۳۸۷) سازگاری اجتماعی (خدایاری‌فرد، ۱۳۸۳)، اعتیاد (خانزاده، طاهر، سیدنوری، یحیی‌زاده و عیسی‌پور، ۱۳۹۲؛ حیدرنیا و چرخیان، ۱۳۸۶)، پیشرفت تحصیلی (درویزه، ۱۳۸۴؛ رشوانلو و حجازی، ۱۳۸۸؛ لوسانی، کیوان‌زاده و کیوان‌زاده، ۱۳۸۶؛ عبادی و معتمدین، ۱۳۸۶)، مهارت‌های فراشناختی و خودمهارگری (درویزه، ۱۳۸۴؛ رشوانلو و حجازی، ۱۳۸۸)، انگیزش درونی (رشوانلو و حجازی، ۱۳۸۸) عزت نفس (رشوانلو و حجازی، ۱۳۹۰)، افسردگی نوجوانان (نشاطدوست،

(۱۳۸۱)، سلامت روانی (بهرامی و اسلمی، ۱۳۸۸؛ مصیری، شفیعی‌فرد، داوری و بشارت، ۱۳۹۱)، رفتارهای ضداجتماعی (همان)، اختلالات عاطفی از قبیل وسواس، پارانویا و فوبیا (درویزه، ۱۳۸۳)، ابراز وجود (عبادی و معتمدین، ۱۳۸۶) و هویت‌یابی (صادقی، مهرابی‌زاده و ارشدی، ۱۳۹۳) تأثیر مثبت یا منفی بگذارد. پژوهشی دیگر برای نشان دادن اهمیت رابطه والد-نوجوان نشان داده است که رابطه مادران و دختران با همدیگر از تضاد ارزشی بین خودشان مهم‌تر است (ربانی و محمدزاده، ۱۳۹۱).

مطالعات دیگر در این حوزه به اهمیت نقش دلبستگی ایمن به والدین در هویت‌یابی (باقری، بهرامی و جلالی، ۱۳۸۸)، رابطه دلبستگی مادران با دلبستگی دختران (جهان‌بخش، امیری، مولوی و بهادری، ۱۳۸۹؛ صفایی، بیگدلی و طالع‌پسند، ۱۳۹۰) و نقش دلبستگی به پدر در کاهش مشکلات رفتاری نوجوان (پاکدامن، سیدموسوی، قنبری، ۱۳۹۰) پرداخته‌اند. تأثیر ویژگی‌های شخصیتی والدین و رابطه والدین با یکدیگر نیز موضوع مطالعه برخی دیگر از مقالات بوده است، از جمله پژوهش‌هایی به تأثیر رابطه والدین با یکدیگر (قره‌باغی، ۱۳۸۹) و نیز تعارضات زناشویی (دلاور و محمدخانی، ۱۳۷۹) بر رابطه والد-نوجوان پرداخته‌اند و پژوهش‌های دیگر بر تأثیر کمال‌گرایی والدین (دانش، کاکاوند و سلیمی‌نیا، ۱۳۹۲) یا ویژگی‌های نوروتیک آنان (یزدخواستی و قاسمی، ۱۳۸۹) بر رابطه با فرزند نوجوان‌شان انگشت گذارده‌اند.

پژوهش‌های دیگر در این حوزه به سبک فرزندپروری والدین و تأثیر آن بر سازگاری عاطفی (صلیبی و احمدی، ۱۳۹۲)، احساس تنهایی (خوئی‌نژاد، رجایی و محب‌راد، ۱۳۸۶؛ لعلی‌فاز و عسگری، ۱۳۸۷)، پرخاشگری نوجوانان (آهنگر انزابی، شریفی درآمدی و فرج‌زاده، ۱۳۹۰)، اعتیاد (گنجی، رهنمای نمین و شریفی، ۱۳۹۳؛ واحدیان، ۱۳۸۶؛ سیفی، صفاری‌نیا و کلانتری، ۱۳۹۲)، سلامت روان و خودپنداره (ساربان، عیسی‌مراد و طیبی، ۱۳۹۲)، مصرف سیگار (کاظمی و عریضی، ۱۳۸۷)، هویت‌یابی (پورابراهیم، حیدری و خوش‌کنش، ۱۳۹۰؛ سندی، رضایی و صالحی، ۱۳۹۳)، رفتار ضداجتماعی (سهرابی و حسنی، ۱۳۸۶)، گرایش به بزهکاری (شکرپیگی، یاسمی‌نژاد، ۱۳۹۱)، و موفقیت تحصیلی (امین‌آبادی، خداپناهی، ۱۳۹۰) نوجوان پرداخته‌اند. این مطالعات عمدتاً بر اینکه در رابطه والد-نوجوان بایستی گرمی و حمایت‌گری در کنار کنترل والدینی با هم اعمال شود، تأکید دارند. در میان پژوهش‌های مداخله‌ای نیز از آموزش مهارت‌های



شکل ۱) نمودار پیش‌آیندها و پس‌آیندهای تعامل والد-نوجوان

ارتباطی (بهرام‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲)، تلفیق شناخت‌درمانی و واقعیت‌درمانی (هنرپروران، قادری و امیریان‌زاده، ۱۳۹۰)، بازسازی خانواده (داداش، ثنایی و حمیدی، ۱۳۸۳) و رویکرد ویرجینیا ستیر (موسوی، جلوداری و تبریزی، ۱۳۹۲) جهت ارتقای کیفیت رابطه ولی-فرزند و نیز از روش روان‌نمایشگری برای کاهش تعارضات مادران و دختران (زابلی، ثنایی و حمیدی، ۱۳۸۴) استفاده شده است.

شرایط و ویژگی‌های پیش‌آیند و پس‌آیند مربوط به «تعامل والد-نوجوان» در شکل ۱ قابل رؤیت است. براساس این شکل دو نوع پیش‌آیند یعنی «روابط والدین با همدیگر و وضعیت کمال‌گرایی آن‌ها» در کنار «رویکردهای مداخلاتی متعدد» در مقالات فارسی‌زبان مورد توجه قرار گرفته است. همچنین وضعیت‌های آسیب‌شناختی متعدد روان‌شناختی به عنوان پس‌آیندهایی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که می‌توانند تحت تأثیر مثبت یا منفی «تعامل والد-نوجوان» قرار بگیرند.

### بحث و نتیجه‌گیری:

درمورد فراتحلیل روش‌های به‌کار رفته در مقالات فارسی‌زبان حوزه‌ی «تعامل والد-نوجوان» نیمی از مقالات از به مطالعه رابطه بین متغیرهای روان‌شناختی با «تعامل والد-نوجوان» پرداخته‌اند. اگر رویکردهای مداخله‌ای و پس‌رویدادی و نیز مطالعات رابطه‌ای و مقایسه‌ای از رویکردهای کمی را به عنوان پژوهش‌هایی در نظر بگیریم که به قصد تبیین «تعامل والد-نوجوان» پرداخته‌اند، حدود ۹۳٪ از پژوهش‌های این حوزه در دسته مطالعات تبیینی جای می‌گیرند. این درحالی‌است که تنها ۷٪ از پژوهش‌ها به قصد «توصیف» پدیده‌ی مورد مشاهده به انجام رسیده‌اند. این موضوع نشان از این دارد که اکثریت قریب به اتفاق پژوهش‌گران علاقه‌ای به توصیف پدیده مورد مطالعه ندارند و تلاش می‌کنند خیلی زود از وضعیت توصیف به وضعیت تبیین حرکت نمایند. این درحالی‌است که تبیین تنها در صورتی می‌تواند موفقیت چشم‌گیری حاصل کند که مشاهدات و توصیفات نسبتاً دقیقی از وضعیت مورد مطالعه به دست آمده باشد. وجود تنها یک مطالعه کیفی، تنها یک مطالعه نیازسنجی و تنها یک مطالعه شیوع‌شناختی نشان‌گر

این است که ما بدون اینکه هنوز «تعامل والد-نوجوان» را آن گونه که در اینجا و اکنون رخ می دهد مورد مذاقه قرار داده باشیم، سعی کرده ایم به مطالعه‌ی رابطه آن با پدیده های دیگر، مقایسه‌ی آن در گروه های متعدد، مداخله برای بهبود آن یا مطالعه تأثیر پدیده های متعدد بر روی آن پرداخته ایم. از این رو توصیه می گردد پژوهش گران این حوزه به تلاش کنند مطالعاتی توصیفی و کیفی برای مشاهده هر چه دقیق تر «تعامل والد-نوجوان» آن چنان که در «ایران امروز» رخ می دهد پردازند.

بر اساس آمارهای مرکز ملی آمار ایران بر اساس سرشماری ۱۳۹۰ شهر تهران با حدود ۸ میلیون نفر جمعیت حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد از جمعیت ایران را به خود اختصاص داده، این درحالی است که تعداد مقالاتی که جامعه آماری خود را شهر تهران گزارش کرده اند، حدود سه برابر این مقدار (۳۳٪) است. این موضوع به صورتی ناخواسته سبب می شود، دانش علمی روان شناسی، آنچه را درباره جمعیت در حال زندگی در تهران به دست می آورد به کل ایران تعمیم دهد و در نتیجه تنوع قومی و فرهنگی ایران را نادیده بگیرد. نکته جالب توجه دیگر در مورد گزینه «سایر شهرها» نهفته، جایی که هر مقاله تنها یک بار داده های خود را از آن جمع آوری کرده است. این شهرها عبارتند از تبریز، اهواز، شستر، بناب، سمنان، بجنورد، فارسان، مرند، بروجن، رشت، کرمانشاه، قائنات، شهر ری و استان های گیلان، چهارمحال و بختیاری و فارس. در ابتدا به نظر می رسد این وضعیت به خاطر تمکز دانشگاه ها در تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران رخ داده باشد، اما به باور نگارندگان این پژوهش دلایل دیگری نیز وجود دارد که بایستی مورد واکاوی جدی قرار گیرد، از جمله اینکه این پژوهش ها به صورتی پراکنده به اجرا درآمده اند و سازماندهی مشخصی برای آنها وجود ندارد. در واقع اینجا نقش سازوکاری که نیازمند به داده های چنین پژوهش هایی باشد، پررنگ می شود تا ضمن تأمین مالی تحقیقاتی از این دست، ناگزیر باشد برای جلوگیری از هدر رفت اقتصادی، به برنامه ریزی پژوهشی دقیق و روشن دست بزنند. به هر تقدیر پیشنهاد می گردد سیاست گذاران عرصه خانواده

حساسیت خود را نسبت به این وضعیت افزایش دهند تا آرام آرام سازوکارهای دقیق‌تری برای مطالعه «تعامل والد-نوجوان» در حوزه‌های متعدد جغرافیایی ایران به اجرا درآید. نکته جالب توجه درباره جنسیت جامعه آماری مقالات فارسی زبان در حوزه تعامل والد-نوجوان تفاوت جدی بین مؤنث و مذکر بودن جامعه آماری مورد مطالعه در این مقالات است. به نظر می‌رسد پژوهش‌گران به صورتی ناخواسته علاقه چندانی به جمع‌آوری داده از پسران نوجوان نداشته‌اند. شاید این موضوع به این علت رخ داده باشد که اصولاً به لحاظ فرهنگی، دختران آسیب‌پذیرتر از پسران دانسته می‌شوند، این در حالی است که در برخی از تحقیقات به‌ویژه در مورد کودکان خیابانی در ایران احتمال سوءاستفاده از پسران بیشتر از دختران گزارش شده است. البته این تنها یک حدس عالمانه است و بایستی توسط دیگر پژوهش‌گران این حوزه مورد واکاوی جدی قرار گیرد. به هر حال آنچه این یافته‌ها نشان می‌دهند این است که آنقدری که درباره دختران نوجوان اطلاعات پژوهشی موجود است، درباره پسران نوجوان چنین نیست.

نکته جالب توجه در کلیدواژگانی که نویسندگان مقالات برگزیده‌اند، این است که حدود ۴۰٪ از آن‌ها به «تربیت و والدگری نوجوان» و وضعیت‌های «آسیب‌شناختی» آن‌ها اختصاص دارد. هم‌چنان که پیش از این گفته شد مهم‌ترین رویکرد غلب در مورد نوجوانی آن را دوران طوفان و فشار می‌داند، در نتیجه در تعامل والد-نوجوان تمام هم و غم خود را از یکسو بر توضیح و تبیین چنین وضعیت‌هایی متمرکز می‌کند و از دیگر سو سعی دارد نشان دهد والدین چگونه و طی چه سبک‌های فرزندپروری با نوجوان تعامل می‌کنند. پرواضح است که اغلب این مقالات «فرزندپروری مقتدرانه» را به‌عنوان نوعی از فرزندپروری که نقطه بهینه‌ای از کنترل و گرمی در رابطه را مورد هدف قرار می‌دهد، به عنوان سبک آرمانی فرزندپروری معرفی می‌کنند. این درحالی است که بامریند به عنوان اولین کسی که چنین سبکی را به همراه پرسشنامه مربوط به آن مورد توجه قرار داد، اساساً بر روی کودکان و نه نوجوانان کار کرده بود. بنابراین وقتی در این پژوهش‌ها صحبت فرزندپروری می‌شود، عمدتاً همان سبک‌های کارآمد برای کودکان مدنظر است.

درواقع حتی اگر قرار باشد شیوه‌های تربیتی والدین را به عنوان محوری‌ترین موضوع تعامل والد-نوجوان مورد نظر قرار گیرد، با توجه به این دوره، به‌عنوان دوره‌ای مجزا از کودکی (به‌واسطه مسئله بلوغ جسمی-روانی-اجتماعی)، بایستی اساساً رویکردی متفاوت صورت دهیم.

اگرچه مطالعات تاریخی در مورد اینکه معنای کودکی تحت تأثیر دنیای مدرن دچار تحول شده با همدیگر اتفاق نظر ندارند، دوران نوجوانی را یکسره محصول دوران مدرن می‌دانند. در دوران پیشامدرن افراد به محض تجربه بلوغ، وارد دنیای بزرگسالی شده، یا بایستی شغلی دست و پا می‌کردند یا در خانه مردی ساکن شده و به امور خانه‌داری، شوهرداری و فرزندداری می‌پرداختند. اما با ظهور جهان مدرن و لزوم آموزش‌های متعددی که فرد را برای ورود به بازار کار آماده می‌کند، دوره‌ی سنی نوجوانی از اساس به وجود آمده است؛ یعنی از وقتی فرد بالغ می‌شود تا زمانی که شاغل شده یا ازدواج می‌کند. در نتیجه، چون نوجوانی نوعی محصول اجتماعی ۱۵۰ ساله است، مطالعه ابعاد اجتماعی نوجوانی و به ویژه ابعاد اجتماعی تعامل والد-نوجوان اهمیتی دوچندان می‌یابد، زیرا به‌هرحال جهان مدرن در هر مکان و زمانی (ایران امروز) شکلی منحصر به فرد به خود می‌گیرد. این در حالی است که تنها حدود ۱۴٪ از پژوهش‌های مربوط به تعامل والد-نوجوان، ابعاد اجتماعی (بعد ساختار خانواده ۸٪، بعد جامعه‌شناختی ۳٪، بعد بین‌نسلی ۲٪ و بعد فرهنگی ۱٪) را مورد مذاقه قرار داده‌اند. از این میان نیز سهم ابعاد فرهنگی، بین‌نسلی و جامعه‌شناختی در مجموع حدود ۶٪ است. چراکه ۸٪ باقی‌مانده مربوط به ساختار خانواده بوده می‌توان به‌صورتی جداگانه مورد توجه قرار گیرد. این موضوع نشان‌دهنده خلأ جدی پژوهش‌هایی است که نقش تغییرات و فشارهای اجتماعی در تعامل والد-نوجوان را مورد توجه قرار می‌دهند. از این رو توصیه می‌گردد پژوهش‌گران درباره اینکه تفاوت‌های قومی و فرهنگی چگونه خود را در تعامل والد-نوجوان نشان می‌دهد، یا اینکه وضعیت اقتصادی-اجتماعی و شغل والدین چگونه این تعامل را متأثر می‌کند به تحقیق بپردازند.



تأثیر رابطه والد-نوجوان بر این طیف گسترده و متنوع از متغیرهای روان‌شناختی از اهمیت بسیار جدی این سازه روان‌شناختی حکایت دارد. اگرچه مطالعات یادشده بر تأثیر دلبستگی والدین بر دلبستگی فرزندان تأکید کرده‌اند، توجه به نتایج این پژوهش‌ها حاکی از این است که در جمعیت‌های مورد مطالعه، دلبستگی والدین رابطه نسبتاً ضعیفی با دلبستگی فرزندان دارد. این بدان معناست که اگر در رابطه والد-کودک یا والد-نوجوان مداخله‌ای جدی صورت گیرد، می‌توان تأثیر منفی دلبستگی نایمن والدین بر دلبستگی فرزندان را تا حد زیادی اصلاح کرد. یکی از پیش‌آیندهای مهم تعامل والد-نوجوان براساس آنچه در مقالات فارسی‌زبان انعکاس یافته، رابطه والدین با همدیگر و تأثیر این آن بر رابطه والد-نوجوان است. چنین پژوهش‌هایی اگرچه بسیار کم به اجرا درآمده، تأثیر متقابل روابط بر همدیگر در سیستم‌های انسانی را برجسته می‌سازد.

همچنین مقالاتی که بر فرزندپروری در تعامل والد-نوجوان تأکید کرده‌اند، عمدتاً بر اینکه در رابطه والد-نوجوان بایستی گرمی و حمایت‌گری در کنار کنترل والدینی با هم اعمال شود، تأکید دارند. کنترل‌کننده بودن والدین بدون رابطه گرم و صمیمی، سبک فرزندپروری را به سمت مستبد و زورگو بودن می‌کشاند. سن نوجوانی سن هویت‌یابی است و این تقریباً توسط تمامی نظریات روان‌شناسی رشد مورد تأیید قرار گرفته. فرآیند هویت‌یابی به‌گونه‌ای است که نوجوان تلاش می‌کند خود را با برخی از «خودی»ها همانند و از برخی از «دیگری»ها مبرا سازد. اگر والدین سبکی زورگویانه و مستبدانه بدون نزدیکی و حمایت عاطفی به کار گیرند، فرزندان در این برهه‌ی حساس در فرآیند هویت‌یابی والدین خود را به عنوان «دیگری» تجسم می‌کنند و از این‌رو در این فرآیند به تدریج نوعی مقاومت در مقابل صاحبان قدرت (در اینجا یعنی والدین) در آن‌ها شکل می‌گیرد. این موضوع سبب دور شدن فرزندان از خانواده‌ای می‌گردد که بر اساس نظریات عمده‌ی دلبستگی بایستی در این دوران به عنوان «پایگاهی امن» برای اکتشاف جهان پیرامون توسط نوجوان مورد استفاده قرار گیرد. این وضعیت می‌تواند آنقدر حاد شود که آسیب‌های روانی و اجتماعی برای نوجوان به دنبال داشته باشد، آن‌چنان‌که در مقالات

فوق به آن‌ها اشاره شده است. البته برخی مطالعات نیز بر تفاوت‌های فردی در رسیدن به بلوغ اجتماعی نوجوانان مانند تفاوت در هوش (پاکدامن، خامسیان و براتی، ۱۳۹۰) اشاره کرده‌اند. همه مطالعاتی که کار مداخلاتی خود را بر روی نوجوانان و به صورت گروهی اجرا کرده‌اند، در واقع بر رابطه والد-نوجوان تأکید کرده و برای بهبود این رابطه‌ی دوتایی، وجه نوجوان را مورد مداخله قرار داده‌اند. نتایج این مداخلات حاکی از تغییرپذیر بودن رابطه والد-نوجوان است.

خلاصه آنکه وضعیت غالب بر پژوهش‌های حوزه «تعامل والد-نوجوان» رویکردی تبیینی است که از یکسو جمعیت نوجوان شهرهای بزرگی چون تهران، مشهد، شیراز و اصفهان را مدنظر قرار داده و می‌توان گفت حتی به نوعی دارای سوگیری قومی به نفع اقوام فارس است و از دیگرسو آنجایی که تلاش کرده نقش جنسیت را پررنگ نماید، عمدتاً دختران نوجوان را به موضوع مطالعه بدل ساخته و لذا گویی دچار سوگیری جنسیتی به نفع دختران نوجوان است. علاوه‌براین به لحاظ محتوایی نیز اهمیت کمی برای ابعاد اجتماعی قائل است و به نوعی متغیرهای مربوط به «والدگری نوجوان» و همچنین «وضعیت‌های آسیب‌شناختی» هم‌آیند با نوجوانی را موضوع مذاقه خود ساخته است، یعنی گویی خود «رابطه والد-نوجوان» در زیر سایه «تربیت وضعیت‌های آسیب‌شناختی نوجوان توسط والدین» قرار گرفته است و به عنوان پدیده‌ای خاص که می‌تواند «کارکردهای ویژه‌ای برای رشد شخصیتی والدین و افزایش ظرفیت انطباق‌پذیری آن‌ها با جامعه‌ی همواره در حال تغییر» داشته باشد، مدنظر نیست. امید آنکه با ایجاد سازوکاری دقیق و روشن برای شکل‌دهی به چنین مطالعاتی ضمن بهره‌مندی از مطالعات حاضر، مسیرهای پژوهشی دیگر نیز مورد توجه قرار گیرد.

### منابع

آهنگر انزابی، احد؛ شریفی درآمدی، پرویز؛ فرج زاده، رباب (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های فرزند پروری الدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر، پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، شماره ۱، ۸-۱.

امین آبادی، زهرا؛ خداپناهی، محمدکریم؛ دهقانی، محسن (۱۳۹۰). نقش میانجی تنظیم هیجان شناختی در ادراک نوجوانان از ابعاد سبک های فرزندپروری و موفقیت تحصیلی آنها، علوم رفتاری، ۱۶، ۱۱۸-۱۰۹.

بهرامی احسان، هادی؛ اسلمی، الهه (۱۳۸۸). رابطه سازگاری زناشویی و سبک های فرزند پروری والدین با سلامت جسمی و روانی فرزندان، روانشناسی و علوم تربیتی، دوره ۳۹، شماره ۱، ۶۳-۸۱.

باقری، خدیجه؛ بهرامی، هادی؛ جلالی، محمدرضا (۱۳۸۸). رابطه بین سبک های دلبستگی با نوع هویت در زندانیان ۱۵-۳۰ ساله، فصلنامه روانشناسی کاربردی - دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۱، ۹۹-۸۵.

پاکدامن، شهلا؛ سید موسوی، پریسا؛ قنبری، سعید (۱۳۹۰). کیفیت دلبستگی و مشکلات رفتاری - هیجانی در نوجوانان: بررسی نقش پدران، روانشناسی کاربردی، ۱۷، ۱۰۰-۸۵.

پاکدامن، مجید؛ خامسیان، احمد؛ براتی، فخرالسادات (۱۳۹۰). نقش سبک های فرزند پروری مادران در بلوغ اجتماعی نوجوانان (تیزهوش، آهسته گام و عادی)، مطالعات روانشناسی تربیتی، ۱۴، ۴۰-۲۳.

پورابراهیم، تقی؛ حیدری، جعفر؛ خوش کنش، ابوالقاسم (۱۳۹۰). رابطه شیوه های فرزندپروری با سبک های هویت یابی و گرایش به مشاغل در نوجوانان، مشاوره شغلی سازمانی، ۸، ۱۱-۲۴.

جهان بخش، مرضیه؛ امیری، شعله؛ مولوی، حسین؛ بهادری، محمد حسین (۱۳۸۹). رابطه مشکلات دلبستگی دختران با سبک دلبستگی مادران، فصلنامه روانشناسی بالینی، ۳، ۲۴-۱۵.

حسین خانزاده، عباس علی؛ طاهر، محبوبه؛ سیدنوری، زهرا؛ یحیی زاده، آیدا؛ عیسی پور، مهدی (۱۳۹۲). رابطه شیوه تعامل والد-فرزند با میزان اعتیادپذیری و گرایش به جنس مخالف در دانشجویان، اعتیاد پژوهی، ۲۸، ۷۴-۵۹.

حیدرنیا، احمد؛ چرخیان، امیر (۱۳۸۶). کیفیت رابطه ی ولی - فرزندی نوجوانان دچار اعتیاد و نوجوانان عادی، رفاه اجتماعی، ۲۵، ۵۸-۳۹.

خدایاری فرد، محمد (۱۳۸۳). مقایسه ارتباط نگرش مذهبی و رابطه پدر فرزند با سازگاری اجتماعی در فرزندان جانباز و عادی شهر تهران، مجله روانشناسی، ۳۲، ۳۸۸-۳۷۲.

خویی نژاد غلامرضا، رجایی علیرضا، محب راد تکتّم (۱۳۸۶). رابطه سبکهای فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر، دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، ۳۴، ۷۵-۹۲

دلاور، علی؛ محمدی، محمدرضا؛ محمدخانی، پروانه (۱۳۷۹). کیفیت زندگی والدین کودکان آزار دیده، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، جلد ۶، شماره ۲ و ۳، ۴۸-۳۷.

دانش، عصمت؛ شمشیری، مینا؛ کاکاوند، علی رضا؛ سلیمی نیا، علیرضا (۱۳۹۲). رابطه ی بین کمال گرایی مادران با خودکار آمدی و خوش بینی در دختران، مطالعات روانشناختی، دوره نهم، شماره ۳، ۱۵۲-۱۲۵.

داداش، زهرا؛ ثنائی، باقر؛ حمیدی، منصورعلی (۱۳۸۳). تأثیر بازسازی خانواده در کیفیت رابطه مادر - دختر، پژوهش های مشاوره، ۱۲، ۴۰-۲۵.

درویزه، زهرا (۱۳۸۴). بررسی رفتار هم دلانه ی دختران نوجوان دبیرستانی با مادران شان و رابطه ی آن با مهارت فراشناخت و پیش رفت تحصیلی در شهر تهران، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۸، ۸۲-۶۷.

درویزه، زهرا (۱۳۸۳). مقایسه ی رابطه ی همدلی مادران و دختران نوجوان، با اختلال های رفتاری دختران (سازگار، ناسازگار، بزهکار) در تهران، مطالعات روانشناختی، دوره اول، شماره ۱، ۶۹-۸۴.

ربانی، علی؛ محمد زاده یزد، عاطفه (۱۳۹۱). بررسی کیفی شکاف نسلی ارزشی بین مادران و دختران در مشهد با تاکید بر ارزش های دینی، جامعه شناسی کاربردی، جلد ۲۳، شماره ۲، ۶۵-۸۸.

رشوانلو، فرهاد؛ حجازی، الهه (۱۳۸۸). ارتباط ادراک از سبک فرزندپروری والدین با انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دبیرستانی، دانشور رفتار، ۳۹، ۱۴-۱.

رشوانلو، فرهاد؛ حجازی، الهه (۱۳۹۰). درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی پدر و مادر: پیش بینی کننده های عزت نفس نوجوانان، مجله علوم رفتاری، دوره ۵، شماره ۴، ۱۶-۱۵.

زابلی، پریسا؛ ثنائی‌ذاکر، باقر؛ حمیدی، منصور علی (۱۳۸۴). سنجش سودمندی روش روان‌نمایشگری در بهبود مهارت‌های رفع تعارض مادران با دختران دانش‌آموز سال اول دبیرستان‌های منطقه ۲ تهران، پژوهش‌های مشاوره، ۱۳، ۱۰۰-۸۱.

زارع بهرام‌آبادی، مهدی؛ زهراکار، کیانوش؛ صالحیان بروجردی، حانیه؛ محمدی‌فر، محمد علی (۱۳۹۲). اثربخشی برنامه بهبود بخشی ارتباط بر کیفیت رابطه والد-فرزندی در نوجوانان دختر خانواده‌های تک‌والدینی مادر سرپرست، روانشناسی بالینی، ۱۸، ۲۴-۱۳.

سیفی‌گندمانی، محمدیاسین؛ صفاری‌نیا، مجید؛ کلاتتری‌میبدی، سارا (۱۳۹۲). سنخ‌شناسی فرزندپروری خانواده (ترکیب سبک فرزند پروری پدر و مادر) و تأثیر آن بر گرایش به موادمخدر در نوجوانان پسر، اعتیاد پژوهی، سال هفتم، شماره ۱، ۲۴-۱۱.

ساربان، حمیده؛ عیسی‌مراد، ابوالقاسم؛ طیبی، زهرا (۱۳۹۲). ارتباط نگرش‌های تربیتی والدین با ابعاد سلامت روانی-اجتماعی (خودپنداره و تعامل اجتماعی) نوجوانان دختر، مجله‌ی روان‌شناسی مدرسه، ۲(۳)، ۹۷-۱۲۴.

سندی، فاطمه؛ رضایی، سجاده؛ صالحی، ایرج (۱۳۹۳). شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده و سبک‌های هویت در دختران نوجوان: بررسی نقش تعدیل‌گرانه حرمت خود، روانشناسی، ۶۹، ۶۱-۶۷.

سهرابی، فرامرز؛ حسنی، اعظم (۱۳۸۶). شیوه فرزند پروری والدین و رفتارهای ضد اجتماعی دختران نوجوان، روانشناسی، ۴۱، ۸۸-۷۵.

شکریبگی، علیرضا؛ یاسمی‌نژاد، پریسا (۱۳۹۱). مقایسه سبک‌های فرزندپروری خانواده، عزت نفس و سلامت عمومی نوجوانان پسر بزهکار و عادی در کرمانشاه، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۵، ۱۹۲-۱۷۸.

صادقی، راضیه؛ مهربانی‌زاده هنرمند، مهناز؛ ارشدی، نسرين (۱۳۹۳). رابطه‌ی طرد و پذیرش مادر با سبک‌های هویت در دانشجویان دختر، اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۱۰، شماره ۱، ۲۷-۴۸.

صفایی، صدیقه؛ بیگدلی، ایمان‌اله؛ طالع‌پسند، سیاوش (۱۳۹۰). رابطه خودپنداره مادر با سبک دلبستگی و خودپنداره فرزند، پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، دوره ۱، شماره ۲، ۳۹-۵۲.

صلیبی، ژاسنت؛ احمدی، عارفه سادات (۱۳۹۲). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری کمال گرایی مادران با سازگاری عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان دختر ساله دوم دبیرستان، پژوهش نامه زنان، ۷، ۱۶۲-۱۳۹.

عراقی، یحیی (۱۳۸۷). بررسی کیفیت رابطه والد - فرزندی در دو گروه از دانش‌آموزان پسر پرخاشگر و غیر پرخاشگر، مطالعات روانشناختی، دوره ۴، شماره ۴، ۱۲۹-۱۱۳. عبادی، غلامحسین؛ معتمدین، مختار (۱۳۸۶). بررسی رابطه ولی - فرزندی، ابراز وجود و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه شهر تبریز، پژوهش‌های مشاوره، ۲۳، ۹۷-۱۱۶.

قره باغی، فاطمه (۱۳۸۹). نقش تعارض زناشویی و رابطه والدین با کودک در نشانه‌های آسیب شناختی عاطفی و رفتاری کودک، پژوهش‌های روان‌شناختی، ۲۵، ۱۰۸-۸۹.

کاظمی، اشرف؛ عربی، حمیدرضا (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سبک والدینی مادر با الگوی مصرف سیگار در دانش‌آموزان، ۴۵، سال دوازدهم، شماره ۱، ۱۱۸-۱۰۴. گنجی، حمزه؛ رهنمای نمین، مریم؛ شریفی، حسن پاشا (۱۳۹۳). پیش‌بینی گرایش نوجوانان به اعتیاد براساس ویژگی‌های شخصیتی و شیوه‌های فرزندپروری به منظورارایه‌ی مدلی برای پیشگیری، اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی، ۳۳، ۵۶-۴۷.

لعلی‌فاز، احمد؛ عسکری، عباس علی (۱۳۸۷). توان پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و متغیرهای جمعیت‌شناختی بر احساس تنهایی دختران دانش‌آموز، فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۳۷، ۷۸-۷۱.

موسوی، معصومه؛ جلویاری، فرحناز؛ تبریزی، مصطفی (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش رویکرد ارتباطی ویرجینیا ستیر بر رابطه والد - فرزندی دختران نوجوان، روانشناسی کاربردی، ۲۸، ۲۶-۹.

محمدی مصیری، فرهاد؛ شفیعی فرد، یعقوب؛ داوری، مزده؛ بشارت، محمد علی (۱۳۹۱). نقش خودمهارگری، کیفیت رابطه با والدین و محیط مدرسه در سلامت روانی و رفتارهای ضداجتماعی نوجوانان، روانشناسی تحولی، ۳۲، ۴۰۴-۳۹۷.

نشاط دوست، حمید طاهر (۱۳۸۱). افسردگی نوجوانان و عوامل مرتبط فردی و خانوادگی. مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال ۲، ۱۴، ۱۸۰-۱۵۷.

واحیدیان، مجتبی (۱۳۸۶). بررسی رابطه اعتیاد نوجوانان و جوانان با شیوه های فرزندپروری و ساختار خانواده، مطالعات امنیت اجتماعی، ۱۱ و ۱۲، ۷۰-۵۷.

هنرپروران، نازنین؛ قادری، زهرا؛ امیریان زاده، لیلا (۱۳۹۰). اثربخشی تلفیق دو رویکرد شناخت درمانی و واقعیت درمانی گروهی بر ارتباط مادر - فرزندی دختران نوجوان، روانشناسی کاربردی، دوره ۵، شماره ۴، ۱۰۷-۹۱.

یزدخواستی، فریبا؛ قاسمی، سحر (۱۳۸۹). رابطه بین شخصیت والدین و طرد و پذیرش کودکان توسط آنها، مطالعات روانشناسی تربیتی، دوره ۷، شماره ۱۲، ۱۴۴-۱۳۱.

- Allen, J.P., & Land, D. (1999). Attachment in adolescence. In J. Cassidy & P.R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research and clinical applications*. (pp. 319-335). New York: Guilford Press.
- Baltes, M. M., & Silverberg, S. B. (1994). The dynamics between dependency and autonomy: Illustrations across the life span. In D. L. Featherman, R. M. Lerner, M. Perlmutter (Eds.), *Life-span development and behavior* (Vol. 12, pp. 41-90). Hillsdale, New Jersey: Erlbaum.
- Blos, P. (1979). *The adolescent passage: Developmental issues*. New York: International Universities Press.
- Bucx, F. & Van Wel, F. (2008). Parental bond and life course transitions from adolescent to young adulthood, *Adolescence*, 43 (169), 71-88.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. 1. Attachment*. New York: Basic.
- Collins, W.A. & Madsen, S.D. (2006). *Personal relationships in adolescence and early adulthood*. In D. Perlman & A. Vangelisti (Eds.), *Handbook of personal relationships* (pp. 191-209). New York: Cambridge University Press Stellenbosch University <http://scholar.sun.ac.za/>
- Collins, W.A. & Laursen, B. (2004). Parent-adolescent relationships and influences. In R.M. Grotevant, H. & Cooper, C. (1986). Individuation in family relationships: A perspective on individual differences in the development of identity and role-taking skills in adolescence. *Human Development*, 29, 82-100.
- Hendrick, C., & Hendrick, S.S. (2000). (Eds.), *Close relationships: A source book*. Thousand Oaks, California: Sage.
- Hartup, W.W. & Laursen, B. (1991). Relationship developmental contexts. In R. Cohen & A.W. Siegel (Eds.), *Context and development*. (pp. 253-270). Hillsdale, New Jersey: Erlbaum.
- Lerner & L.D. Steinberg. (Eds.), *Handbook of adolescent psychology*. (2nd ed.) (pp. 33- 362). New Jersey: John Wiley & Sons.

- Reis, H. T., Collins, W. A., & Berscheid, E. (2000). Relationships in human behavior and development. *Psychological Bulletin*, 126, 844–872.
- Richardson, J. & Joughin C. (2002) parent-training programmes for the management of young children with conduct disorders. Printed in Great Britain by Cromwell pres ltd, trowbridge, UK.
- Stryker, S. (1968). Identity salience and role performance: The relevance of symbolic interaction theory for family research. *Journal of Marriage and the Family*, 30, 558– 564.
- Youniss, J., & Smoller, J. (1985). *Adolescent relations with mothers, fathers, and friends*. Chicago: University of Chigaco Press.